

## بین دو نبرد بزرگ

بحران سیاسی عمیقی که جمهوری اسلامی گرفتار آن شده است، عمق ورشکستگی سیاسی این رژیم را نشان می‌دهد. حاصل ۴۰ سال حاکمیت ننگین جمهوری اسلامی، فاجعه در تمام ارکان زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی توده‌های مردم ایران است. متجاوز از ده میلیون بیکار، زندگی فلاکت‌بار ده‌ها میلیون کارگر و زحمتکش در زیر خط فقر، میلیون‌ها انسانی که در نتیجه فقر مطلق حتی از تأمین نان خشک‌وخالی محروم‌اند، افسارگسیختگی تورم، خریدوفروش کودکان، پیش‌فروش نوزادان، فروش اعضای بدن، رشد انواع و اقسام آسیب‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی، گسترش روزافزون اعتیاد، تن‌فروشی، رشد افسارگسیخته جرم و جنایت، فساد مالی فراگیر سرتاپای دستگاه دولتی، اختناق و سرکوب وحشیانه دولت دینی استبدادی، تنها چند نمونه از فجایع وحشتناکی است که بورژوازی ایران زیر لوای اسلام راستین و حاکمیت الله در ایران به بار آورده است. اگر زمانی گفته می‌شد جمهوری اسلامی از تأمین نان توده‌های زحمتکش نیز ناتوان است، ورشکستگی این رژیم اکنون به درجه‌ای است که حتی ناتوان از تأمین آب آشامیدنی برای میلیون‌ها تن از جمعیت ۸۰ میلیونی کشور است. به گفته رئیس سازمان حفاظت محیط‌زیست، بیش از ۷۰ درصد جمعیت کشور در معرض «بی‌آبی» قرار دارند. پیش‌از این، وزیر نیرو نیز سال ۹۷ را سخت‌ترین سال از نظر تأمین آب در کشور طی نیم‌قرن اخیر اعلام نمود و گفت: ۳۳۴ شهر با جمعیت ۳۵ میلیون نفر امسال در وضعیت تنش آبی قرار دارند.

در صفحه ۲

## همکاری سازمان اکثریت با جریان اصلاح‌طلب برای نجات رژیم از بن‌بست و بحران

در تاریخ ۲۶ خرداد، متن نامه با بیانی‌ای که به امضاء بیش از صد نفر رسیده است در برخی رسانه‌ها انتشار یافت. در این بیانیه که نام و امضای تعدادی از اعضا و رهبران اکثریت و عضو شورای مرکزی حزب جدید دست‌پخت اکثریت، "حزب چپ"، در کنار اسامی گروهی

در صفحه ۵

## لایحه مقابله با پول‌شویی و مخالفت شدید خامنه‌ای با آن

علی خامنه‌ای در دیداری که روز چهارشنبه ۳۰ خرداد با نمایندگان مجلس ارتجاع اسلامی داشت، به شدت با لایحه کابینه روحانی در پیوستن دولت ایران به کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تأمین مالی تروریسم و مبارزه با پولشویی مخالفت کرد. او با بیان اینکه جمهوری اسلامی ایران لزومی ندارد این معاهدات را تصویب کند، از نمایندگان مجلس خواست تا بجای تصویب لایحه کابینه روحانی جهت الحاق به این کنوانسیون جهانی، قوانین دیگری مطابق با معیارها و اصول جمهوری اسلامی در باره این موضوع "تهیه و تصویب" کنند.

خامنه‌ای همچنین در باره وظایف نمایندگان به آنان یادآور شد که: "اگر آن‌ها رفتار انقلابی نداشته باشند، ادامه کارشان از نظر شرعی و قانونی اشکال دارد".

اظهار نظر صریح خامنه‌ای در مخالفت با پاره‌ای از لوایح دولتی از جمله لایحه پیوستن به کنوانسیون مبارزه با پولشویی، امر تازه‌ای نیست. همچنین دخالت آشکار و تعیین تکلیف نهایی او برای نمایندگان مجلس ارتجاع نیز یک موضوع جدیدی نبوده و نیست. اما، اعلام اینکه اگر نمایندگان مجلس رفتار انقلابی نداشته باشند، ادامه کارشان هم از نظر "شرعی" و هم از نظر "قانونی" اشکال دارد، از جمله رخدادهایی است که تاکنون به این صراحت توسط او بیان نشده بود. این موضع خامنه‌ای، انهم با

در صفحه ۳



## فاجعه‌ی ایرانشهر نتیجه‌ی فرودستی و افزایش خشونت علیه زنان در جمهوری اسلامی

در صفحه ۸

## آوارگی و پناهجویی برآمده از نظام سرمایه‌داری

سیاست دولت آمریکا در جداسازی فرزندان پناهجویان از والدین‌شان در هفته‌های اخیر، سرتیتز اخبار بسیاری از رسانه‌های جهان بوده است. به گزارش "سی‌ان‌ان" در ۵ مه تا ۹ ژوئن ۲۰۱۸، دستگاه امنیت مرزی ۲۳۴۲ کودک را از والدین‌شان جدا کرده و پس از گسیل والدین به زندان‌ها، کودکان را به اردگاه‌هایی فرستاده است که حتی یکی از مقامات سابق سیا آن‌ها را با آشوبتس (اردوگاه کار اجباری یهودیان در زمان سلطه نازیسم در آلمان) مقایسه کرده است.

دونالد ترامپ در دفاع از اقدام خود گفته است

در صفحه ۴



## زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

## بین دو نبرد بزرگ

روزهای اخیر اخبار متعددی از جیره‌بندی آب و اعتراضات مردم ایران در تعدادی از استان‌ها و شهرهای کشور از جمله اهواز، آبادان، خرمشهر، بوشهر، انتشار یافته است. در خوزستان آبی که مردم باید از آن استفاده کنند، حتی برای استفاده‌های غیر آشامیدنی از جمله استحمام نیز بهداشتی و قابل استفاده نیست. رژیم‌های دزدی‌های سران و مقامات آن، ابعاد میلیاردمی به خود گرفته است، حتی تصفیه‌خانه‌های ضروری برای تأمین آب آشامیدنی مردم مناطق گرمسیر را ایجاد نکرده است، تا چه رسد به تأمین آب برای کشاورزان در برخی از مناطق ایران. اگر هم آب آشامیدنی در منطقه‌ای نظیر خوزستان وجود داشته باشد، اولویت آن، برای فروش به عراق است که منبع درآمد دیگری برای دولت و چپاولگری مقامات است. در ماه‌های گذشته نمونه‌های متعددی از اعتراضات دهقانان را از جمله در اصفهان دیده‌ایم. مردم برخی شهرهای خوزستان تاکنون مکرر اعتراضات خود را به وضعیت وخیمی که این منطقه در رابطه با مشکل آب و آلودگی محیط‌زیست گرفتار آن شده است، ابراز داشته‌اند.

در چند روز گذشته، مردم آبادان در اعتراض به شور شدن آب آشامیدنی، یک‌رشته تجمع اعتراضی برپا کردند و علیه مقامات دولتی شعار سردادند. بر روی یکی از پلاکاردهای این تجمعات اعتراضی نوشته شده بود: "سه‌م من از نفت در آبادان، بیکاری؛ آب‌شور؛ گردوخاک؛ گرانی"

اما تنها در آبادان و اهواز، خرمشهر و بوشهر نیست که هم‌روزه شاهد اعتراضات مردم هستیم. در همین چند روز اخیر شاهد اعتصابات، تجمعات اعتراضی متعدد بر سر مطالبات دیگر نیز بوده‌ایم.

در برخی شهرهای استان خوزستان از روز ۲۷ خرداد صدها تن از رانندگان برای افزایش دستمزد به اعتصاب متوسل شدند.

کارگران فولاد اهواز، روز ۳۰ خرداد با برپایی یک تجمع اعتراضی، خواستار آزادی ۶ تن از رفقای دربند خود شدند. نیروی سرکوب پلیس بار دیگر با کارگران درگیر شد.

روزهای ۲۸ و ۲۹ خرداد جمعی از بازنشستگان فرهنگی با تجمع در مقابل وزارت آموزش‌وپرورش و سازمان برنامه‌بودجه، خواستار تحقق مطالبات خود از جمله حق سنوات بازنشستگی شدند.

روز ۳۰ خرداد نیز گروهی از بازنشستگان بانک سپه مقابل دفتر مرکزی این بانک تجمع کردند و به ناچیز بودن مستمری و مشکلات معیشتی خود اعتراض کردند.

روز دوشنبه ۲۸ خرداد کارگران کارخانه چوکا دور جدیدی از اعتصابات را با خواست پرداخت مطالبات معوقه و اعتراض به عدم امنیت شغلی آغاز کردند.

کارگران اخراجی کشت و صنعت شمال روزهای ۲۸ و ۲۹ خرداد مقابل کارخانه در ساری و استانداری مازندران تجمع کردند و خواستار بازگشت به کار شدند.

روزهای ۲۸ و ۲۹ خرداد گروهی از کارکنان تعاونی سهام عدالت به همراه خانواده‌های خود به نمایندگی از هزار و پانصد نفر از کارکنان دفاتر سهام عدالت در اعتراض به ۳۹ ماه معوقات مزدی و نبود امنیت شغلی در مقابل ساختمان وزارت اقتصاد تجمع اعتراضی برپا کردند.

گروهی از کارگران شرکت واحد برای چندمین بار در مقابل ساختمان‌های شهرداری و شورای اسلامی شهر تهران تجمع کردند و خواستار تحویل آپارتمان‌هایی شدند که قرار بود تا پایان سال ۹۱ تحویل داده شود، شدند.

مالبختگان موسسه کاسپین در تهران و رشت تجمع اعتراضی برپا کردند.

در پی ربودن و تجاوز به تعدادی از دختران توسط عوامل مسلح رژیم، روز ۲۷ خرداد، گروهی از مردم ایرانشهر در مقابل فرمانداری تجمع کردند، به نبود امنیت برای زنان و دختران اعتراض نمودند و خواهان دستگیری و مجازات جنایتکاران شدند.

دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران از ۲۷ خرداد در اعتراض به احکام سنگین صادرشده برای تعدادی از دانشجویان دستگیرشده و فضای امنیتی دانشگاه، تجمع اعتراضی برپا نمودند و از شرکت در امتحانات نیز خودداری کردند. برای ۴ تن از دختران دانشجو و دو تن از پسران، حبس‌های سنگین تا ۸ سال صادرشده است. تعداد دانشجویانی که برای آن‌ها پرونده تشکیل شده، لااقل ۵۰ نفر اعلام شده است. اعتراضات دانشجویان در ماه‌های اخیر افزایش یافته که به‌ویژه به جو امنیتی و پادگان‌های دانشگاه‌ها و پولی شدن دانشگاه‌ها اعتراض دارند. می‌توان این لیست از مبارزات چند روز گذشته را باز هم افزایش داد.

این‌همه اعتراض و مبارزه در فاصله ۴ روز که به آن‌ها اشاره شد، نشان‌دهنده بحران سیاسی ژرفی است که رژیم پاسدار نظم موجود و طبقه سرمایه‌دار حاکم با آن روبه‌رو است. این اعتراضات و صدها نمونه آن به‌ویژه، ده‌ها نمونه از اعتصابات، تجمعات، تظاهرات و راهپیمایی‌های بزرگ کارگری در طول سه ماهی که از سال جاری می‌گذرد، نشان‌دهنده رشد و گسترش دامنه مبارزاتی است که پس از تظاهرات توده‌ای سرا سری دی‌ماه رخ می‌دهد. اما این مبارزات پر دامنه و گسترده، معنای ویژه‌ای نیز دارد. در یک دوران انقلابی در فاصله دو نبرد بزرگ، مبارزات و جنبش‌های کوچک‌تر اما متنوع‌تر و گسترده‌تر رخ می‌دهند، تا عموم توده‌های مردم را به عرصه مبارزه مستقیم سوق دهند و زمینه نبرد بزرگتری را آماده کنند. نبردی که بی‌تردید، با وسعت و

اعتلایی بزرگتر از تظاهرات توده‌ای سرا سری دی‌ماه در آینده‌ای نزدیک رخ خواهد داد.

رژیم ورشکسته جمهوری اسلامی هیچ راهی برای نجات از این بحران ندارد. این رژیم هنوز بر این پندار است که با تشدید سرکوب و اختناق، بازداشت، زندان و اعدام می‌تواند موج اعتراضات را مهار کند.

جمهوری اسلامی مکرر در این چند ماه، کارگران را سرکوب و بازداشت کرده است. اما نهمین توقیفی در مبارزه رخ نداده، بلکه بالعکس، کارگران مبارزه خود را تشدید کرده‌اند.

جمهوری اسلامی در فاصله شش ماهی که از دی‌ماه می‌گذرد، هزاران تن از مردم ایران را بازداشت و گروه‌کثیری از آن‌ها را به حبس محکوم کرده است. زندانیان سیاسی را با ادعای جعلی خودکشی، به قتل رسانده و تعدادی را نیز اعدام کرده است. دانشجویان و زنان مبارز را به حبس‌های طولانی‌مدت محکوم کرده است.

جمهوری اسلامی اخیراً حملات خود را به کانون نویسندگان تشدید کرده است. مانع از برگزاری جلسات کانون شده است، به اجلاس‌های کانون یورش برده است، اموال و کتاب‌های کانون را به یغما برده است، اما کانون همچنان مقاوم ایستاده است و همان‌گونه که در بیانیه خود اعلام کرده است، "مأموران امنیتی جمهوری اسلامی با این سرکوب‌های غارتگرانه می‌خواهند اعضای کانون را از فعالیت بازدارند و از اشاعه اهداف و اندیشه‌های کانون جلوگیری کنند." اما کانون مقاوم و استوار به مبارزه علیه رژیم اختناق و سرکوب ادامه می‌دهد و "اعمال راهزانه، غارتگرانه و ضد انسانی آزادی ستیزان سرکوبگر را محکوم می‌کند"

این رژیم، رسوایی را به آنجا رسانده که وکلای دادگستری را به جرم دفاع از زندانیان سیاسی دستگیر و به زندان انداخته است. نسرین ستوده به جرم دفاع از دختران خیابان انقلاب بازداشت شده است. وکیل مدافع محمد ثلاث نیز به جرم افشای دادگاه فرمایشی دستگیر شده است. اما رژیم با تمام این وحشی‌گری‌ها قادر به نجات خود نیست. بالعکس با این اقدامات سرکوبگرانه، روند سرنگونی و نابودی خود را تسریع خواهد کرد. طولی نخواهد کشید که جنبش اعتراضی کنونی کارگران و زحمتکشان ایران به انقلابی بیانجامد که طومار ننگین این رژیم ارتجاعی بورژوائی-مذهبی را در هم پیچد و با استقرار یک حکومت شورایی، نه‌فقط مردم ایران از تمام فجایع رژیم رهائی یابند و مطالبات خود را عملی سازند، بلکه نمونه‌ای از عالی‌ترین دموکراسی و برابری اجتماعی را به مردم منطقه خاورمیانه و تمام جهان ارائه دهند.

## رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک

## اعتصاب عمومی سیاسی و قیام

## مسلحانه برانداخت

## لایحه مقابله با پول‌شویی و مخالفت شدید خامنه‌ای با آن

جملاتی کاملاً صریح و آشکار در شرایطی بیان شده است که پیش از این هنگام بررسی این لایحه در مجلس، علی‌لاریجانی گفته بود که: رهبر در باره این لایحه نظری ندارد و معتقد است که مجلس و دولت خود تصمیم گیرنده باشند. اکنون اما، بر خلاف ادعای رئیس مجلس، خامنه‌ای با تحکم نمایندگان مجلس را از تصویب لایحه الحاق دولت ایران به کنوانسیون جهانی مقابله با تامین مالی تروریسم و پولشویی، منع کرده است. بیان صریح و آشکار این موضع خامنه‌ای، یکبار دیگر نشان داد که مجلس به ظاهر قانون گذاری ایران فاقد هرگونه استقلال رای و عمل در تصویب لوایح یا طرح‌های کلیدی مربوط به نظام است. با این موضع گیری خامنه‌ای و در پی آن عقب نشینی سریع لاریجانی و اعلام اینکه "در باره لوایح پولشویی، مطابق دستور رهبری عمل می‌کنیم"، یک بار دیگر بی‌خاصیتی و بی‌مصرفی این نهاد به ظاهر قانون گذاری جمهوری اسلامی را برای عموم آشکار کرد. اقدامی که هرچند نیازی هم به دخالت خامنه‌ای نبود و شورای نگهبان منصوب او به تنهایی قادر بود تا در صورت تصویب این لایحه در مجلس آن را رد و از قانونی شدن آن جلوگیری کند. پس چرا چنین نشد و خامنه‌ای این چنین شتابزده برای جلوگیری از تصویب آن در مجلس وارد میدان شد؟

بحث الحاق دولت ایران به کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تامین مالی تروریسم و مبارزه با پولشویی از جمله موضوعاتی است که از مدت‌ها پیش به جدالی جدی در مناسبات درونی هیات حاکمه و نیز کشاکشی رو به تزاید در روابط بین المللی ایران با گروه ویژه اقدام مالی (Financial Action Task Force) تبدیل شده است. این جدال در مناسبات درونی حاکمیت یک جدال چند وجهی است. ارسال لایحه دولت که تصویب آن از جمله شرایط حذف دائم ایران از لیست سیاه گروه ویژه اقدام مالی علیه پولشویی است، با مخالفت شدید منتقدان کابینه روحانی و گروهی از اصولگرایان مواجه شده است. تهدید نمایندگان مجلس با ارسال پیامک‌های تهدید آمیز در بازداشتن آنان از تصویب لایحه فوق، نمونه‌ای از تشدید جدال اصولگرایان با روحانی و کابینه اوست. اصولگرایان و نهادهایی از قبیل آستان قدس، سپاه پاسداران و دیگر نهادهای زیرمجموعه خامنه‌ای که طی سال‌های گذشته بیشترین منفعت را از قاچاق ارز، تامین مالی تروریسم و پولشویی داشته و دارند. وجه دیگر این جدال درونی، کشاکش میان کابینه و گروهی از نمایندگان مجلس است. آن دسته از نمایندگانی که عملاً پیش‌برنده سیاست اصولگرایان حاکم در قدرت هستند. جدالی که هنگام بررسی این لایحه در مجلس به صورت یک کشمکش آشکار نمود بیرونی پیدا کرد.

بررسی این لایحه ابتدا در روز ۳۰ اردیبهشت ۹۷ به صورت غیر علنی با حضور دبیر شورای عالی امنیت ملی، وزاری امور خارجه و اقتصاد و دارایی در مجلس آغاز شد و دو روز بعد به صورت علنی ادامه یافت. جلسه علنی روز اول خرداد که ادامه بررسی لایحه دولت بود، عملاً با حواشی و جنجال‌هایی همراه شد که در نهایت به

رغم مخالفت کابینه روحانی، این لایحه به مدت دو ماه از دستور کار مجلس خارج شد. در واقع واکنش سریع خامنه‌ای به این موضوع ناشی از وضعیت ویژه جمهوری اسلامی در این بازه زمانی است که او به زعم خود خواسته است تا از تشدید تنش‌ها و بیشتر علنی شدن کشمکش‌های موجود در میان ارکان نظام جلوگیری کند. در عرصه بین‌المللی اما، جدال فوق از زمانی شروع شد که کنوانسیون جهانی مبارزه با پولشویی جهت شفاف سازی در امر تامین مالی تروریسم و مبارزه با پولشویی خواستار الحاق جمهوری اسلامی به این کنوانسیون شد. درخواستی که فقط در حد یک درخواست ساده باقی نماند و از همان آغاز با یک سری تهدیدات جدی علیه جمهوری اسلامی همراه شد. تهدیداتی که اگر دولت ایران به این کنوانسیون نپیوندد، با اعمال مجازات‌هایی مواجه خواهد شد.

قرار گرفتن نام دولت ایران در فهرست سیاه پولشویی گروه ویژه اقدام مالی (Financial Action Task Force) و پیامد آن اعمال یک رشته تحریم‌های بین‌المللی جدید از جمله اقداماتی هستند که دولت ایران در صورت امتناع از الحاق به این کنوانسیون، با آن مواجه است.\* تهدیدی که با تعلیق دو ماهه این لایحه توسط نمایندگان مجلس و پس از آن اعمال نظر صریح خامنه‌ای مبنی بر عدم پیوستن جمهوری اسلامی به این کنوانسیون، اکنون به صورت یک اقدام جدی نه فقط برای کابینه روحانی بلکه برای کل هیات حاکمه ایران رقم خورده است. چرا که گروه ویژه اقدام مالی، در تاریخ ۲۳ فوریه (۴ اسفند) تصمیم گرفت برای یک دوره ۴ ماهه نام دولت ایران را وارد فهرست سیاه پولشویی نکند و یک بار دیگر به جمهوری اسلامی فرصت داد تا مطابق خواسته‌های این گروه، ساختار مالی خود را برای مقابله با پولشویی و حمایت از گروه‌های تروریستی اصلاح کند. فرصتی که زمان آن اکنون به پایان رسیده و با تعویق دو ماهه بررسی لایحه فوق در مجلس، عملاً راه ورود نام جمهوری اسلامی به لیست سیاه پولشویی گروه ویژه اقدام مالی جهت تحریم‌های اقتصادی هموار شده است.

مخالفت خامنه‌ای با لایحه دولت و تاکید او بر نمایندگان که قوانین دیگری مطابق با معیارها و اصول جمهوری اسلامی در باره موضوع پولشویی و مقابله با تروریسم "تهیه و تصویب" کنند، در شرایطی طرح شده است که سه سال پیش مجلس ایران قانونی تحت عنوان مبارزه با تروریسم را تصویب، مصدق تروریسم را مشخص و اقدام به آن را جرم محسوب کرد. مطابق این قانون، اقداماتی مانند هواپیما ربایی، دزدی دریایی و بمب گذاری در اماکن عمومی، شبکه حمل و نقل عمومی، تاسیسات دولتی و زیرساختی اقداماتی تروریستی محسوب می‌شوند. در این مصوبه قانونی مجلس، همچنین تاکید شده است که اگر دولت ایران به کنوانسیون بین‌المللی پیبوند که در آن جرایمی تروریستی تعیین شده باشند، آن جرایم در جمهوری اسلامی نیز تروریستی محسوب می‌شوند.

در واقع، مشکل خامنه‌ای و بقیه نهادهای مخالف الحاق جمهوری اسلامی به کنوانسیون جهانی

مقابله با تامین مالی تروریسم و مبارزه با پولشویی، دقیقاً در همین بند از قانون مصوب مجلس است. چرا که مطابق نظریه این کنوانسیون، سازمان‌هایی نظیر حماس، حزب الله لبنان، حوثی‌های یمن و تعداد دیگری از گروه‌های اسلامی وابسته به جمهوری اسلامی، جملگی در فهرست گروه‌های تروریستی نهادهای بین‌المللی قرار دارند.

با الحاق دولت ایران به این کنوانسیون، جمهوری اسلامی موظف به قطع ارتباط کامل با این گروه‌های تروریستی خواهد بود. اقدامی که اساساً در تضاد با سیاست توسعه طلبانه و پان‌اسلامیست هیات حاکمه ایران است و دست کم در شرایط کنونی جمهوری اسلامی به آن تن نمی‌دهد. مضافاً اینکه با پیوستن به این کنوانسیون تمام مرادده‌های پولی و بانکی جمهوری اسلامی که تاکنون به صورت غیر قانونی و از طریق پولشویی‌های کلان و گسترده در مسیر کمک به تامین مالی جریان‌های تروریستی سازماندهی می‌شد، می‌بایست به صورت شفاف و بعضاً تحت نظارت گروه ویژه اقدام مالی قرار گیرد. امری که برای نهادهایی همانند سپاه پاسداران، قرارگاه خاتم الانبیا، آستان قدس رضوی، بسیج و دیگر نهادهای پر قدرت حکومتی که از طریق پولشویی‌های رایج در جمهوری اسلامی به ثروت‌های کلانی رسیده‌اند، به سادگی قابل پذیرش نیست.

اکنون، بر اساس گزارش موسسه تحقیقاتی حکومت داری "بازل"، جمهوری اسلامی بدترین کشور از حیث پولشویی است. این موسسه طی گزارشی که از وضعیت پولشویی در کشورهای مختلف جهان ارائه داده است، با بررسی مولفه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی در ۱۴۹ کشور جهان، آن‌ها را بر اساس "شاخص ضد پولشویی" رتبه بندی کرده و جمهوری اسلامی را بدترین کشور از حیث پولشویی دانسته است. از نظر گروه ویژه اقدام مالی علیه پولشویی نیز، جمهوری اسلامی به همراه کره شمالی دو کشور مسئله دار در امر پولشویی هستند. دو کشوری که از این حیث در لیست این نهاد بین‌المللی قرار دارند.

با این همه و به رغم اینکه عدم الحاق دولت ایران به کنوانسیون بین‌المللی مقابله با تامین مالی تروریسم و مبارزه با پولشویی، می‌تواند تحریم‌ها و فشارهای جدیدی را برای جمهوری اسلامی رقم بزند، مخالفت شدید خامنه‌ای و نهادهای پر قدرت زیر مجموعه او در پیوستن دولت ایران به این کنوانسیون جهانی، بسیار قابل فهم است. چرا که دود تحریم‌ها همواره به چشم کارگران و توده‌های زحمتکش می‌رود، و در عوض طبقه حاکم و نهادهای پر قدرت حکومتی، نفع‌شان در توسعه طلبی و حمایت از گروه‌های اسلامی و تروریستی منطقه و پیامد این کسب درآمدهای میلیاردی از طریق پولشویی‌های رایج در نظام جمهوری اسلامی است.

\* گروه ویژه اقدام مالی (Financial Action Task Force) یک سازمان بین‌المللی است که معیارهایی را برای مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم تعیین می‌کند و اقدامات و سیاست‌هایی را برای شفافیت نظام بانکی و مالی، پیشگیری از پولشویی و مبارزه با آن پیشنهاد می‌دهد.



## آوارگی و پناهجویی برآمده از نظام سرمایه‌داری



در اسفند ۹۶ به پایان رسیده است. در سال‌های پیش درباره مشکلات موجود بر سر راه تحصیل کودکان مهاجران و پناهندگان افغان گزارش‌های متعددی در رسانه‌ها درج شده است. در گزارشی در مهر ۹۵، به گفته مدیر عامل انجمن حمایت از زنان و کودکان پناهنده، تنها ۱۰ درصد کودکان بازمانده از تحصیل افغان در مدارس ثبت‌نام شده‌اند. کودکانی که با محرومیت از تحصیل و در نتیجه فقر خانواده‌ها به کودکان کار و خیابان می‌پیوندند. در گزارشی در ایسنا به تاریخ ۲۲ خرداد ۱۳۹۷ آمده است، ۶۳٪ درصد کودکان کار اتباع افغانستان و در حدود ۴ درصد نیز تبعه پاکستان هستند. در همین گزارش به گفته کمیسیون حقوق بشر افغانستان قاچاق کودکان افغانستانی برای کار به ایران ۱۰ درصد افزایش یافته و روزانه بیست کودک کار به اجبار یا داوطلبانه برای بازگشت به افغانستان در مرزها رها می‌شوند. افغان‌ها در ایران از اشتغال در بسیاری از مشاغل محروم‌اند و تنها می‌توانند در مشاغل "دشوار، خطرناک و با دستمزد کم" به کار گرفته شوند.

در شهریور سال ۹۵، وزیر کشور از دستگیری و اخراج ماهانه ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار "افغانی غیر مجاز" خبر داد و وزارت مهاجرین افغانستان در سپتامبر ۲۰۱۶، اعلام کرد روزانه حدود ۱۵۰۰ افغان از ایران با توسل به زور و خشونت اخراج می‌شوند. در گزارش دیگری در خبرگزاری آنتولو در آوریل ۲۰۱۸، برخی از پناهندگان افغان که به ترکیه رفته‌اند، از تشدید فشار مسئولین ایران سخن گفته‌اند.

مقامات رژیم به این نیز اکتفا نمی‌کنند. آنان حتا از قربانی کردن جان آنان برای پیشبرد اهداف توسعه‌طلبانه منطقه‌ای خود نیز ابایی ندارند. به گزارش دیدبان حقوق بشر در مهر ۹۶، سران رژیم با وعده و وعید حقوق و دریافت اجازه اقامت، و حتا با فشار، برخی از پناهندگان را با یک دوره آموزشی یک ماهه به عضویت لشکر فاطمیون درآورده و آنان را رهسپار میدان‌های جنگ در سوریه می‌کنند. "سربازانی" که شمار زیادی از آنان را کودکان تشکیل می‌دهند. خبرگزاری تسنیم شمار مهاجران لشکر فاطمیون را ۱۴۰۰۰ نفر عنوان کرده است.

طبق آمار رسمی سازمان ملل، ۸۵ تا ۹۰ درصد پناهجویان جهان برای نجات جان خود در کشورهای مجاور پناه می‌گیرند. الگویی که با آمار پناهندگان در ایران مطابقت دارد. اما برخی از افغان‌های پناهجو، ایران را تنها گذرگاهی برای رفتن به ترکیه و رساندن خود به اروپا می‌دانند. سفری که بسیاری آن را به پایان نمی‌برند. گروهی در فضای بسته کامیون‌ها خفه می‌شوند، دسته‌ای در انبار کشتی‌های باری جان می‌سپارند و بسیاری در دریا به کام مرگ فرو می‌روند.

به گفته سازمان پناهندگی سازمان ملل، فقط از ابتدای سال جاری میلادی بیش از یک‌هزار نفر در راه عبور از دریای مدیترانه و رسیدن به

۵ کشور سوریه (۶ میلیون نفر)، افغانستان (۲ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر)، سودان جنوبی (دو میلیون و ۵۰۰ هزار نفر)، میانمار (یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر)، سومالی (۹۹۰ هزار نفر) می‌آیند. در میان کشورهای پناهنده‌پذیر، ترکیه با ۳ و نیم میلیون نفر، برای چهارمین سال مقام اول را داراست و پس از آن کشورهای پاکستان و اوگاندا و لبنان و ایران قرار دارند.

به گفته وزارت امور مهاجران افغانستان تعداد مهاجران افغان در ایران ۲ میلیون و ۴۵۰ هزار نفر هستند که از این میان ۹۵۰ هزار نفر دارای کارت اقامت، ۴۵۰ هزار نفر با گذرنامه و اقامت موقت، ۳۰ هزار نفر دارای اقامت بلند مدت و حدود یک میلیون نفر نیز فاقد مدرک معتبر هستند. مقامات ایران در اردیبهشت ۹۷ اعلام کردند، طبق سرشماری ۱۳۹۵ بالغ بر ۱ میلیون و ۵۸۳ هزار مهاجر افغان در ایران زندگی می‌کنند اما تعداد کل افغان‌هایی که به طور رسمی و غیر رسمی در ایران زندگی می‌کنند بالغ بر ۳ میلیون نفر می‌شود.

در واقعیت پناهندگان ساکن ایران، به ویژه پناهندگان افغان، برخلاف ادعاهای سران جمهوری اسلامی، از کمک‌های محدودی برخوردارند و در فقر شدیدی به سر می‌برند. سکونت افغان‌ها در بسیاری از استان‌ها یا شهرستان‌های برخی استان‌ها ممنوع است. بنا به گزارشی در فروردین ماه در تسنیم که یکی از رسانه‌های حکومتی است، بسیاری از وعده‌های مقامات هنوز اجرایی نشده است. برای مثال، مشکل تمدید بیمه سلامت مهاجرین افغانستان با وجود گذشت نزدیک به یک ماه از آغاز سال جدید هنوز "به طور رسمی کلید" نخورده است در حالی که مهلت دفتر بیمه سلامت مهاجرین

نمی‌خواهد آمریکا "اردوگاه پناهندگان" شود. پس از اعتراضات داخلی و بین‌المللی گسترده، رئیس جمهوری آمریکا با امضای فرمانی در ۲۰ ژوئن، از این سیاست خود عقب‌نشینی کرد و کودکان را به خانواده‌ها بازگرداند تا همراه والدین زندانی شوند. در پی آن نیز سندی منتشر شد که طبق آن، ترامپ از نیروهای دریایی و هوایی آمریکا خواسته است تا ایجاد اردوگاه‌هایی را برای انتقال و بازداشت ده‌ها هزار مهاجر در پایگاه‌های هوایی سابق مورد بررسی قرار دهند. اکنون نیز موفق شده است موافقت جمهوری‌خواهان جهت اختصاص ۲۵ میلیارد دلار بودجه برای ساخت دیوار مرزی بین آمریکا و مکزیک را جلب کند تا وعده‌ی پیش از انتخاباتش مبنی بر جلوگیری از ورود "مهاجران غیرقانونی و مجرمان" را عملی کند.

تمامی این اقدامات ضد مهاجرتی و پناهنده‌ستیز دولت آمریکا در حالی صورت می‌گیرد که در روز ۱۹ ژوئن (۲۹ خرداد) کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد به مناسبت ۲۰ ژوئن (۳۰ خرداد)، "روز جهانی پناهندگان" گزارشی را منتشر کرد. در این گزارش گفته شده است در سال ۲۰۱۷، جنگ، خشونت، تعقیب قضایی، فقر و بیکاری موجب گشته تعداد آوارگان جهان به رقم بی‌سابقه ۶۸ / ۵ میلیون نفر افزایش یابد. در بخشی از گزارش آمده است بیش از دو سوم از این آوارگان (۴۰ میلیون) نفر در داخل کشور خود بی‌خانمان شده‌اند و ۴ / ۲۵ میلیون نفر به کشورهای دیگر پناه برده‌اند که ۵۲ درصد از آنان را کودکان زیر ۱۸ سال تشکیل می‌دهند. آمار سال ۲۰۱۷، با یک افزایش ۹ / ۲ میلیون نفری طی یک سال، تاکنون بی‌سابقه بوده است. بر اساس این آمار، دو سوم پناهجویان جهان از

## همکاری سازمان اکثریت با جریان اصلاح طلب برای نجات رژیم از بن بست و بحران

از اصلاح طلبان درون و بیرون حکومت آمده، ضمن اشاره به دیدار رهبران آمریکا و کره شمالی، از حکومت و دولت جمهوری اسلامی خواسته شده بدون هیچ قید و شرطی وارد مذاکره مستقیم با دولت آمریکا شود. در بیانه چنین آمده است: "ما افرادی از طیف های مختلف فکری و سیاسی بر این نظریه که اینک وقت آن رسیده است که بر اختلاف دیرینه ایران و آمریکا نیز نقطه پایانی گذاشته شود. از این رو خواهان مذاکره مستقیم و بدون هیچ قید و شرطی از سوی طرفین هستیم".

صرف نظر از این که این بیانه، واکنش های به نسبت تند جناح اصول گرای حکومت را در پی داشت و برخی آن را "تسلیم نامه"، "احمقانه"، "توصیه تسلیم پذیری" و مایه "حقارت و ذلت" خواندند و تا جایی پیش رفتند که گفتند، بعضی ها در داخل کشور در همدستی با خارج، در راستای منافع دشمن حرکت می کنند و برای آن خوراک تهیه می کنند، همچنین صرف نظر از این که در شرایط کنونی مذاکره مستقیم و رسمی ایران با آمریکا آن هم بعد از تجربه برجام و "عهد شکنی" آمریکا چقدر ناممکن به نظر آید یا تحت شرایط اعمال تحریم ها و تشدید فشارها چقدر ممکن گردد و این که اساسا این مذاکرات چه نتایج و عواقبی را در پی داشته باشد که در این نوشته مورد بحث ما نیست، اما این بیانه، ماهیت حزب چپ اکثریت و صحت تحلیل سازمان ما در کار شماره ۷۷۵ در مورد این حزب "جدید" دست پخت اکثریت و این که سیاستی جز همراهی با حکومت و جناح اصلاح طلب آن ندارد، را نشان داد. امضا بیانه توسط بهروز خلیق و شمار دیگری از اعضا و رهبران حزب چپ اکثریت و همراهی آن با کسانی چون جلال جلالی زاده نماینده مجلس ششم و رئیس ستاد انتخاباتی روحانی، احمد منتظری، جمیله کنیور نماینده مجلس ششم و همسر عطاءالله مهاجرانی، عیسی سحرخیز، محمد صادق جوادی حصار عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی، حسین کروی، غلامحسین کرباسچی دبیر کل حزب سازندگی و چند دوجین دیگر از اصلاح طلبانی که رسوای خاص و عام اند، اگر چه یک نمونه جزئی است، اما همین نمونه جزئی، محور اصلی سیاست ها و جهت گیری های حزب چپ اکثریت را بر ملا می سازد. اگر چه آن ها پنهان نکرده بودند که در میان رهبران و گردانندگان اصلی این "حزب" کسانی هستند که نه بطور پنهان و پوشیده بلکه خیلی صریح و بی پرده خود را "اصلاح طلب" می دانند و هدف اصلی آن ها نیز تقویت جریان "اصلاح طلب" در جمهوری اسلامی است، اما با این موضع گیری رسمی و همراهی حزب چپ اکثریت با اصلاح طلبان، ابهام و تردیدی اگر به

فرض در مورد ماهیت اکثریت و حزب چپ آن وجود می داشت نیز برطرف شد. ما گفته بودیم که این حزب به اصطلاح چپ، همان سازمان اکثریت است با این تفاوت که چند نفری به آن پیوسته اند و موضع ما در مورد این جریان، همان موضع قبلی سازمان در مورد اکثریت است. ما گفته بودیم که سازمان اکثریت که باخاطر اتحاد با ارتجاع و حمایت از رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در سرکوب و کشتار مردم نقش داشته و یک سازمان مطرود در میان سازمان های سیاسی چپ، دموکرات، انقلابی و کمونیست است، برای آن که خود را از مخصصه بدنامی و انفراد نجات دهد، با تغییر نام می خواهد وانمود کند که گویا یک سازمان جدید پدید آمده که به عملکرد ننگین اکثریت ارتباطی ندارد و گفتیم که این جز یک پندار و خیال نیست که با این ترند بتوان ننگ سیاست ها و عملکرد خود را پاک کرد. هنوز حتا دو هفته هم از آن چه گفته شد نگذشته بود که در بزنگاه نرد عشق این حزب با اصلاح طلبان، مشخص شد که این حزب به اصطلاح چپ، همان اکثریت است با ادامه همان سیاست ها. اکثریتی که تمام دوران حیات ننگین آن مشحون از بده بستان با جناح های حکومتی و همدستی با ارتجاع بوده است.

کرباسچی شهردار سابق تهران و یکی از امضاکنندگان این نامه در مصاحبه با "اعتماد" در ارتباط با این نامه می گوید: "این نامه برای مقابله با "افراطیون"ی است که با بیانیه ها و یا حضور در رسانه ها سعی در تشدید بن بست و خلق مشکلات جدید برای کشور دارند" وی در ادامه می گوید: "اگر بابتی باز شود که سیاسیون دل سوز چه در داخل و چه در خارج از کشور به این نتیجه برسند که برای حفظ کیان جمهوری اسلامی، حفظ کشور، عدم ایجاد مشکلات برای نظام و انقلاب، یک موضع گیری سیاسی مثبت انجام شود، اتفاق خوبی است" (تاکید از ماست).

حفظ کیان جمهوری اسلامی و نظم موجود، هدف نخست و محوری این تلاش هاست و سازمان اکثریت البته همواره خواهان حفظ نظم موجود بوده است. هر کس بحث ها و سیاست های اکثریت را دنبال کرده باشد یقینا به این نکته نیز پی برده است که خطمشی این جریان در ارتباط با تغییر و تحولات جامعه، همواره متکی به طبقه حاکم و جناح های حکومتی بوده است و در درجه اول در جستجوی متحدینی در درون حاکمیت، و بعد در میان سایر گروه بندی های سیاسی بورژوازی در حول و حوش حاکمیت بوده است. اکثریت بود که از ارتجاع اسلامی یک رژیم "ضد امپریالیست"، "انقلابی" و "پیش برنده خواست مردم" ساخت! در همان شرایطی که اقلیت ماهیت رژیم تاریک اندیش حاکم را بر ملا می ساخت و خواهان براندازی آن بود در برابر عوام فریبی های "ضد

امپریالیستی" مرتجعین حاکم و پادوان اکثریتی آن ها به دفاع از آزادی و دموکراسی برخاست و بارها اعلام کرد هیچ مبارزه ای علیه امپریالیسم نمی تواند از مبارزه برای آزادی و دموکراسی جدا باشد، سازمان اکثریت از ارتجاع هار حاکم به عنوان یک رژیم "ضد امپریالیست" یاد نموده و با تمام توان خود نه فقط به دفاع و حمایت از رژیم برخاست، بلکه درست زمانی که ارتجاع سرگرم سرکوب کمونیست ها بود دست در دست ارتجاع نهاد و در شناسایی و لو دادن انقلابیون و کمونیست ها، از جمله رفیقان ارزشمند ما سیامک اسدیان و سعید سلطانپور، خدمات شایانی به ارتجاع و ضد انقلاب حاکم نمود.

سیاست همدستی با ارتجاع و دفاع از آن اگر زمانی تحت عنوان دفاع از "خط امام" اجرا می شد، بعدها تحت توجیهات و پوشش های دیگری مانند "شکوفاسازی جمهوری اسلامی" و بعدتر دفاع از حزب الهی ها و به اصطلاح اصلاح طلبانی که دست های شان تا آرنج به خون کمونیست ها و مبارزین آغشته است، به اجرا درآمد. سازمان اکثریت در ادامه تلاش های خود برای حفظ نظام، حفظ "کیان جمهوری اسلامی" و جلوگیری از بحرانی تر شدن وضعیت رژیم، آذرماه ۷۳ به خامنه ای نامه نوشت و در آن چنین استدلال کرد که تعیین خامنه ای به رهبری حکومت اسلامی "مبتنی بر سنت شیعه" و "اعلمیت" که مورد "تصدیق اولیای شریعت و جامعه روحانیت" باشد، نبوده است. آن گاه خیرخواهانه به وی نصیحت می کرد که جای خود را به "رهبر" دیگری که انتخاب وی بر "سنت مذهب شیعه" استوار باشد و "اعلمیت" داشته باشد، واگذار نماید!

سال ۷۴ نیز "پایان دادن به استبداد فقهاتی" از طریق انتخابات آزاد را پیش کشید. اکثریت که تمام هنر سیاسی اش به زندگی در میان جناح های حکومتی و تلاش برای اتحاد با آن ها خلاصه می شود، سال ۷۵ اتحاد با "قائمه روحانیت" را جایگزین اتحاد با "خط امام" کرد. اکثریت که دهه شصت از استبداد مذهبی و دیکتاتوری عریان بورژوازی با جان و دل دفاع می کرد و همه گونه همکاری با رژیم و دفاع از ارتجاع حاکم و همراهی در سرکوب کمونیست ها و مبارزین را تحت عنوان دفاع از یک "رژیم مترقی و ضد امپریالیست" توجیه می کرد، بعدها مدافع سینه چاک دیکتاتوری پوشیده بورژوازی و دموکراسی پارلمانی شد. البته نه این که رژیم حاکم سرنگون شود و دموکراسی پارلمانی جای آن بنشیند، بلکه می خواست به رژیم جمهوری اسلامی به نحوی کاملا مسالمت آمیز و به شیوه ای "متمدنانه"، "پایان داده شود"! شعارهای که هنوز هم در راس شعارها و سیاست های سازمان اکثریت و حزب چپ آن است.

اکثریت نه فقط همواره مخالف براندازی و سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی بوده است، بلکه از اساس حتا با طرح شعار سرنگونی رژیم و همه کسانی که در این راه تلاش می کنند

## همکاری سازمان اکثریت با جریان اصلاح طلب برای نجات رژیم از بن بست و بحران

## آوارگی و پناهجویی برآمده از نظام سرمایه‌داری

اروپا غرق شده‌اند، ۲۲۰ نفر از این عده، طی روزهای گذشته. هزاران نفر نیز پس از عبور از این راه‌های پرخطر به پشت مرزهای اروپا می‌رسند ولی با سیم خاردار مواجه می‌گردند یا پس از رسیدن به ساحل کشورهای اروپایی، باید همچنان در دریا سرگردان بمانند زیرا که کشورهای اروپایی از پذیرش آنان خودداری می‌کنند. با وجودی که ۱۲۰ کشور کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان را امضا کرده‌اند، به گفته سازمان ملل، به دلیل کاهش سطح پناهنده‌پذیری کشورهای اروپایی، با وجود افزایش پناهجویان، اسکان پناهجویان ۵۴ درصد کاهش یافته است. گذشته از آن، در آمریکا و اروپا، سران کشورها با پیگیری سیاست پناهنده‌هراسی، از سویی پناهجویان را مسئول بحران‌های اقتصادی و اجتماعی از جمله بیکاری و افزایش جرم و جنایت معرفی می‌کنند و از سویی دیگر با استفاده از جو پناهنده‌ستیزی، راست‌ترین سیاست‌های نه تنها ضد پناهجویی بلکه راست‌ترین سیاست‌های اقتصادی را با تکیه به آرای افکار عمومی ناآگاه و هراسیده به تصویب رسانده و به اجرا درمی‌آورند.

سیل پناهنده‌گی که اکنون به بحرانی برای نظام سرمایه داری تبدیل شده است، پیامد بحران‌های جهان سرمایه‌داری، تهاجم نظامی و مداخله سیاسی کشورهای امپریالیستی از یک سو و کشورهای مرتجع منطقه و رشد جریان‌ات اسلام‌گرا از سوی دیگر است. کشورها و دولت‌هایی که باز این کشورهای امپریالیستی حامی و پشتیبان‌شان آنها هستند. در چنین شرایطی، با گذشت هر سال بر شدت و دامنه این بحران افزوده می‌شود و زندگی میلیون‌ها انسان را به کام فقر و تباهی خواهد کشاند.

اما این تنها عامل در گسترش این بحران نبوده است. از دیگر عوامل مؤثر در این بحران، فقر و بیکاری است. در آوریل ۲۰۱۵، "کنسرسيوم بین‌المللی خبرنگاران تحقیقی" گزارشی منتشر کرد. در این گزارش آمده است: در ۵ سال گذشته، بانک جهانی موجب آوارگی ۳ / ۴ میلیون نفر شده است. با تحمیل برنامه‌های نئولیبرالی، با قطع یا کاهش بودجه‌های رفاهی، ضبط زمین‌ها و سدها، حمایت از کمپانی‌ها و دولت‌های متهم به تجاوز، قتل و شکنجه و با سرمایه‌گذاری ۵۰ میلیارد دلاری در پروژه‌های دارای عواقب اجتماعی "بازگشت‌ناپذیر و بی‌سابقه" که در گسترش فقر در سراسر جهان نقش عظیمی داشته‌اند. و نه تنها بانک جهانی، بلکه مؤسسات مالی بین‌المللی دیگری نظیر صندوق بین‌المللی پول، بانک سرمایه‌گذاری اروپا و بانک اروپا برای بازسازی و توسعه

نیز مخالف بوده و مخالف است. اکثریت در واقع وظیفه دفاع از نظم موجود و دفاع از جمهوری اسلامی را، اکنون با ابراز نفرت از اعمال قهر توده‌ای برای سرنگونی رژیم و ایستادن در مقابل انقلاب انجام می‌دهد. اکثریت (و حزب چپ آن) می‌خواهد جمهوری اسلامی و نظم حاکم یا بر جا بماند اما بجای خامنه‌ای، ولی فقیه دیگری در راس آن باشد و در بهترین حالت، ولی فقیه و استبداد فقهاتی نباشد. این ولایت فقیه و استبداد آن، همان ریسمان سیاهیست که همه راست‌ها از قماش اکثریت و حزب توده و دیگر راست‌های میانه و خجول، خود را به آن آویزان کرده‌اند و تمام سیاست‌های ارتجاعی و راست‌روی‌های خود طی چهار دهه اخیر را در پوشش مبارزه با ولایت فقیه و استبداد فقهاتی توجیه کرده‌اند. این حزب "جدید" به اصطلاح چپ که حزبیست بورژوا- رفرمیست در رده گروه‌ها و احزاب "اصلاح طلب"، حزبیست که از لحاظ تفکری شبیه حزب توده و درست‌تر گفته باشم حزبیست دست‌ساز سازمان اکثریت نیز به همین سیاست ادامه خواهد داد.

نامه‌نویسی به دیکتاتورها و مسئولین جمهوری اسلامی امر تازه‌ای در حیات این جریان نیست. نامه به بوش و بازرگان و امثال آن نیز در پرونده اکثریت بایگانیست. این سیاست‌ها اتفاقی و از روی تصادف نیست، بلکه ریشه در منافع این جریان دارد که با حفظ منافع بورژوازی و نظم موجود گره خورده است. ارتداد و خیانت اکثریت نیز از روی تصادف نبوده است.

سازمان اکثریت بیهوده تلاش کرد با حذف واژه اکثریت از حزب خودساخته، سیاست‌های ننگین و جنایت بار خود را لاپوشانی کند. سازمان اکثریت گیریم که جامه سر تا پا ننگ‌آلود آغشته

به چرک خون "اکثریت" را آویزه میخ کرده باشد، اما با میخ خیانتی که تا اعماق جامعه فرو رفته است نمی‌تواند کاری انجام دهد. سازمان اکثریت تصور می‌کرد که با حزب‌سازی جدید و حذف واژه "اکثریت"، قادر است عملکرد ننگین خود را از اذهان جامعه بزدايد غافل از آن که سیاست‌ها و عملکرد ننگین اکثریت را با آب هزار رودخانه نمی‌توان شست و پاک کرد چه رسد به حذف یک واژه یا تغییر نام! مردم ایران نقشی را که سازمان اکثریت در همکاری با جمهوری اسلامی در کشتار و سرکوب و اسارت مردم داشته است هرگز فراموش نخواهند کرد. سازمان اکثریت در حالی که سیاست‌های گذشته در رابطه با اتحاد با جناح‌های حکومتی و حفظ نظم موجود را دنبال می‌کند، در همان حال تلاش کرد، رنگ عوض کند. ننگ اما با رنگ پاک نمی‌شود. تنها عمق خاک است که مشام جامعه را از آزار تعفن این جسم بویناک پاک می‌کند.

در تلاش‌های وسیع و گسترده‌ی جناح‌های مختلف بورژوازی و حامیان بین‌المللی آن‌ها بویژه طیف اصلاح‌طلبان حکومتی برای بیرون کشاندن رژیم جمهوری اسلامی و تمام نظم موجود از غرق آبی که در آن گرفتار آمده است، سازمان اکثریت نیز به فراخور توان و ظرفیت خود، این بار تحت عنوان "حزب چپ" دارد سهم خود را ادا می‌کند. از بدقیالی حزب چپ اکثریت اما باید گفت، راهی برای حل بحران و بیرون رفت از بن بست و نجات رژیم از این غرق آب هلاکت بار وجود ندارد. رژیم جمهوری اسلامی به آخر خط رسیده است و کارگران و زحمتکشان ایران به کم‌تر از سرنگونی رژیم، به زیر کشیدن تمام نظم موجود و کوتاه کردن دست تمام جناح‌های بورژوازی و نوکران آن‌ها رضایت نخواهند داد.



کار- نان- آزادی  
حکومت شورائی

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران



## فاجعه‌ی ایرانشهر نتیجه‌ی فرودستی و افزایش خشونت علیه زنان در جمهوری اسلامی



اگر چند جوان کلیبی ویدئویی با رقص و آواز تهیه کنند، فوری عوامل انتظامی آن‌ها را دستگیر و در دستگاه قضایی محکوم می‌شوند. اگر کارگری به ندادن دستمزد، به بیکاری و عدم امنیت شغلی خود اعتراض کند، دستگاه قضایی فوری پرونده‌ای علیه او تشکیل می‌دهد، اما اگر یک نفر به نام سعید طوسی به چندین کودک تجاوز کند، و به رغم شکایت و شهادت قربانیان ماجرا، حتی یک روز هم به زندان نمی‌رود، چرا که در قدرت قرار دارد و مورد حمایت خامنه‌ای است. از این دستگاه قضایی مردم انتظار هیچ عدالتی ندارند و اگر مقامات آن موضوعی را انکار کنند، مردم به دلیل همین بی‌اعتمادی به دستگاه قضایی، به درستی ماجرا بیشتر اعتقاد پیدا می‌کنند.

### اما ریشه این فاجعه در کجاست؟!

ریشه فاجعه به نظم سیاسی حاکم بر ایران و فرودستی زنان در جمهوری اسلامی برمی‌گردد که نتیجه‌ی آن افزایش خشونت علیه زنان بوده و ربودن و تجاوز به زنان یکی از وحشیانه‌ترین اشکال خشونت است.

نگاهی به قوانین حاکم که مشروعیت خود را از قوانین اسلامی گرفته‌اند، کافیست تا جایگاه زن از نظر حقوقی در جمهوری اسلامی آشکار شود. زن در ایران از بسیاری از بدیهی‌ترین حقوق خود محروم است. از حق تحصیل یا حق مسافرت بدون اجازه همسر و یا پدر محروم است. از حق ازدواج بدون موافقت پدر محروم است، از حق حضانت فرزند محروم است. حجاب اجباری یک نمونه واضح از نقض بدیهی‌ترین حقوق زنان در ایران است.

وضعیت زنان در بازار کار نیز چیزی جز فاجعه نیست. براساس آخرین آمار سازمان برنامه و بودجه، نرخ مشارکت اقتصادی زنان ۱۶ درصد و مردان ۶۴/۵ درصد است. اگر از جمعیت ۴۰ میلیونی زنان در ایران، کودکان تا سن ۱۵ سال و زنان ۶۰ سال به بالا را کم کنیم، حدود ۲۴ میلیون و پانصد هزار نفر باقی می‌مانند که از این تعداد ۳ میلیون و پانصد هزار نفر شاغل هستند!! این یعنی یکی از پایین‌ترین نرخ‌های مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی در سطح جهانی و حتی پایین‌تر از عربستان سعودی. فاجعه اما به این‌جا ختم نمی‌شود. دستمزد یک معضل بزرگ دیگر برای زنان ایران است. اول این‌که بخشی از زنان شاغل هیچ دستمزدی نمی‌گیرند چرا که در بخش‌های خانوادگی و فامیلی کار می‌کنند از جمله در کشاورزی یا مغازه‌های کوچک. بزرگ‌ترین بخش زنان شاغل مزدبگیر نیز در کارگاه‌ها و مراکز خدماتی کوچک مشغول به کارند که اغلب با دستمزدهایی ناچیز (بسیار کمتر از حداقل دستمزد) و بدون حق بیمه کار می‌کنند. در یک جمله اکثریت بسیار بزرگ زنان ایران، فاقد استقلال اقتصادی هستند و این چیزیست که خامنه‌ای نیز بارها از آن دفاع کرده و وظیفه‌ی اصلی زن را بچه‌داری و خدمت به همسر عنوان کرده است.

این تصویر زن در جمهوری اسلامی است. مهم نیست که چقدر از دختران سخت‌کوش کشور، با تلاش و همت خود در دانشگاه‌ها تحصیل کرده‌اند. واقعیت این است که اکثریت بسیار بزرگ آن‌ها در صورت ماندن در کشور خانه‌نشین شده‌اند. زن در جمهوری اسلامی نه استقلال اقتصادی دارد (که بسیار این مساله اهمیت دارد) و نه از نظر حقوقی و براساس قوانین اسلامی با مرد برابر است. شب و روز هم در دستگاه‌های تبلیغی جمهوری اسلامی از زن به‌عنوان ناموس مرد، چیزی که باید پوشانده شود نام می‌برند. انسانی که مالک دارد، همچون نظام برده‌داری، مالکی به نام مرد که می‌تواند در مورد حتماً از خانه بیرون رفتن یا نرفتن برای زن محدودیت قائل شود. این تفکر آن‌قدر در برخی از نقاط گسترش یافته که به‌طور نمونه اسم زن را صدا نمی‌کنند، بلکه او را "مادر حسن"، "مادر حسین" و غیره یعنی با اسم پسرش صدا می‌زنند، و به این ترتیب حتماً اسم او را نیز از او می‌گیرند!! در یکی از همین برنامه‌های تلویزیونی شبکه یزد بود که زنی عقب‌مانده و مرتجع از زنان می‌خواهد برای این‌که مورد خشونت و بدرفتاری مردان قرار نگیرند، پای آن‌ها را در تنتی از شیر (یا آب ولرم) ماساژ داده و پس از ماساژ دادن ببوسند!! این تصویر زن در جمهوری اسلامیست.

البته جمهوری اسلامی به این بسنده نکرده و زن می‌تواند در نگاه حکومت به مظهر فساد تبدیل شود. برای همین هم هست که زنان به دلیل نوع پوشش خود دستگیر و مورد ضرب و شتم و توهین اوباشان جمهوری اسلامی قرار می‌گیرند. چرا که با پوشش خود "فساد" ایجاد می‌کنند. زنانی که با پوشش خود مردان را گمراه می‌کنند!! این تصویر زن در جمهوری اسلامیست. همان کشوری که داشتن چهار زن را سنت پیامبر دانسته و البته صیغه‌ی یکساعته و ۲۴ ساعته را بویژه در شهرهایی هم‌چون مشهد و برای جلوگیری از به‌گناه آلوده شدن مردان "زوار" خارجی رواج داده. تن فروشی اسلامی زنان قربانی مناسبات حاکم، البته با حضور آخوندی که صیغه را جاری می‌کند و حق حساب خود را از تن‌فروشی زنی بدبخت می‌گیرد. این است تفکر اسلامی که جمهوری اسلامی چهل سال مروج آن بوده است.

بنابر این در کشوری که از نظر اقتصادی زنان فاقد استقلال هستند، از نظر حقوقی و قوانین اسلامی فاقد بسیاری از بدیهی‌ترین حقوق خود بوده و شبانه‌روز دیدگاه اسلامی حاکم از رسانه‌ها و بلندگوهای آن تبلیغ می‌شود، اولاً زمینه خشونت علیه زنان فراهم می‌شود، دوم آن‌که زنانی که مورد خشونت قرار گرفته‌اند حتماً جرات ابراز آن را پیدا نمی‌کنند، و سوماً اساساً قانون و فقه قضائیه‌ای وجود ندارد که از زنان در برابر خشونت دفاع کند و نمونه‌ی ایرانشهر گواه این حقیقت است. چرا تاکنون تنها ۴ زن شکایت کرده‌اند!!

اول این که بسیاری از دخترانی که مورد تجاوز

قرار گرفته‌اند، از ترس آن‌چه که در این فرهنگ آبرو نامیده می‌شود، با "آبروی خانوادگی" جرات ابراز موضوع را ندارند. آن‌ها حتماً در صورت بیان این موضوع، و در حالی که خود قربانی تجاوز هستند، ممکن است توسط پدر، همسر و یا برادر خود به قتل برسند چرا که در تفکر منحنط آن مردان، زن ناموس آن‌ها است و ناموس‌شان لکه‌دار شده است!!

تازه اگر جرات کنند و بگویند که مورد تجاوز قرار گرفته‌اند، مردم حتماً ذره‌ای به قوه قضاییه اعتماد ندارند. دستگاه‌های فاسد که همه‌گونه در خدمت قدرت و ثروت قرار دارد. و به‌ویژه در مورد این پرونده که دادستان کل کشور آخوند مرتجع منتظری از همان ابتدا اساساً منکر موضوع شد. در پرونده ایرانشهر بعد از آن که در روز اول بسیاری از روزنامه‌ها به این مساله پرداختند و از آن به عنوان فاجعه نام بردند، مقامات جمهوری اسلامی به سرعت وارد مساله شده و جلوی انعکاس بیشتر فاجعه را با بیان این‌که شایعه است و با شایعه‌پردازان برخورد می‌کنیم، گرفتند.

در این میان تنها حامیان واقعی دختران قربانی تجاوز در ایرانشهر، کسانی بودند که در ایرانشهر دست به تجمع اعتراضی زده و یا در شهرهای دیگر با حمل دست نوشته‌هایی به روشنگری در این زمینه پرداختند و با از طریق شبکه‌های اجتماعی و برخی از رسانه‌هایی که هرگز اجازه انتشار یا پخش برنامه در ایران ندارند، نگذاشتند این موضوع مانند بسیاری از وقایع مشابه همچون اسیدپاشی به دختران اصفهان و غیره توسط جمهوری اسلامی به فراموشی سپرده شود.

عامل اصلی جنایت ایرانشهر، جمهوری اسلامی است. این جمهوری اسلامی است که با انکار وقایع زمینه ایجاد تکرار آن را فراهم می‌کند. این جمهوری اسلامی است که با دادن قدرت به افراد متجاوز امکان بروز این فاجعه را فراهم ساخته است. این جمهوری اسلامی است که با عدم مجازات متجاوزین در بسیاری از موارد مشابه به دلیل وابستگی آن افراد به حکومت، مسبب تکرار این فجایع شده است. و بالاخره این جمهوری اسلامی است که با فرودست کردن زنان، با نقض حقوق آنان و با برقراری قوانین اسلامی و تقویت فرهنگ و سنت عقب‌مانده نظام‌های پیشا سرمایه‌داری، زمینه را برای خشونت علیه زنان و افزایش آن در این ابعاد فاجعه‌بار فراهم ساخته است.

## فاجعه‌ی ایرانشهر نتیجه‌ی فرودستی و افزایش خشونت علیه زنان در جمهوری اسلامی

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

Gironummer 2492097  
نام صاحب حساب: Stichting ICDR

IBAN:  
NL08INGB0002492097  
BIC: INGBNL2A  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>  
آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)  
آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat>

آدرس سازمان در توییتر

<https://twitter.com/fadaiana>  
آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>  
آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 778 June 2018

اخبار این فاجعه را به گوش مردم رساندند، تهدید به دستگیری کردند. در تجمع اعتراضی مردم ایرانشهر نیز پلیس با حمایت همین دستگاه قضایی، چند نفر از معترضان را دستگیر کرد و به بهانه‌های مختلف از جمله تهیه گزارش برای رسانه‌های مخالف جمهوری اسلامی، برای‌شان پرونده قضایی تشکیل دادند.  
فساد همه‌گیر دستگاه قضایی چیز پوشیده‌ای نیست. این را تک تک افراد جامعه می‌دانند. دستگاه قضایی ایران فاسد است و مردم هیچ اعتمادی به آن ندارند. به همین دلیل افرادی که در قدرت حضور دارند و یا از ثروت برخوردارند، از عواقب اقدامات خود هراسی نداشته و در هر گوشه‌ای از این کشور بی‌محایا دست به اقداماتی جنایتکارانه می‌زنند. اگر مساله اسپدپاشی به دختران اصفهان باشد، پرونده هیچ‌وقت حل نشده و عامل آن پیدا نمی‌شود. اما

در صفحه ۷

هر قدر که عوامل قضایی و جنایت‌پیشه‌ی جمهوری اسلامی ابعاد وحشتناک فاجعه‌ی ایرانشهر را انکار کنند، نمی‌توانند بر واقعیت ماجرا سرپوش بگذارند. واقعیت ماجرا برای توده‌ها روشن است و این باور غیرقابل خدشه است.

باندی مخوف، با استفاده از سلاح‌ها و کارت‌های عضویت در نهادهای نظامی جمهوری اسلامی (بسیج عشایری)، پس از ربودن وحشیانه‌ی ۴۱ دختر، آن‌هم در روز روشن، حتا در خیابان محل زندگی آن‌ها، به آن‌ها تجاوز کرده و بدون هیچ‌گونه ترسی از پیگیری قضایی، آن‌ها را دوباره رها کردند. افراد باندی که هم ثروت دارند و هم به دلیل وابستگی به نظام حاکم، قدرت.

حال دستگاه قضایی جمهوری اسلامی می‌خواهد به این پرونده رسیدگی کند!! یعنی کسانی که از ابتدا چنین فاجعه‌ای را انکار کرده و کسانی را که



[shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

بدینوسیله به اطلاع علاقمندان تلویزیون دکراسی شورایی می‌رسانیم که: برنامه‌های تلویزیون دکراسی شورایی روی شبکه ۲۴ ساعته تلویزیون "دیدگاه" از اول ژوئن ۲۰۱۷ برابر با ۱۱ خرداد ۱۳۹۶ به جای ماهواره هانتبرد مجدداً از ماهواره یاست پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

ماهواره یاه ست Satellite Yahsat  
فرکانس ۱۱۷۶۶ Frequency  
عمودی Polarization Vertical  
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰ Symbol rate  
اف ای سی ۵ / ۶ FEC

ساعت پخش برنامه‌های تلویزیون دکراسی شورایی:

چهارشنبه‌ها ساعت نه و نیم شب به وقت ایران  
(ساعت ده صبح به وقت لس آنجلس و هفت عصر به وقت اروپای مرکزی)  
بازپخش این برنامه: روز پنجشنبه نه و نیم صبح به وقت ایران  
(ده شب پنجشنبه به وقت لس آنجلس و هفت صبح پنجشنبه به وقت اروپای مرکزی)

اینترنت:

در صورت عدم دسترسی به تلویزیون ماهواره ای، می‌توانید از طریق اینترنت نیز برنامه‌های تلویزیون دکراسی شورایی را مشاهده کنید.  
۱- بطور زنده در ساعات ذکر شده، در سایت تلویزیون دیدگاه و شبکه رسانه ای "جی. ال. ویز"

[www.didgah.tv](http://www.didgah.tv)  
[www.glwiz.com](http://www.glwiz.com)

۲- به صورت آرشیو، در سایت سازمان فدائیان - اقلیت:

<http://www.fadaian-aghaliyat.org/>  
<https://tvshora.com/>

ساعت و زمان برنامه را به خاطر بسپارید و به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.  
توجه: بینندگان عزیز تلویزیون دکراسی شورایی جهت اطلاع؛ سالی دو بار - در پائیز و بهار - بطور ناهمزمان در ایران، اروپا و امریکای شمالی ساعات تغییر می‌کنند که البته هر بار پس از چند هفته، ساعات این سه منطقه یکسان می‌شوند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی